

# تبیین رابطه کاربری اینترنت و مشارکت سیاسی در ایران<sup>1</sup>

دکتر حمید عبداللهیان

احسن حقگویی

**چکیده:** این مقاله به مطالعه میزان و کیفیت استفاده از اینترنت در میان دانشجویان دانشگاه تهران و تأثیر آن بر میزان مشارکت سیاسی آنها، با استفاده از یک چارچوب نظری تلفیقی که شامل ملاحظات مفهومی "حوزه عمومی" هابرماس و الگوی سلسله مراتب مشارکت سیاسی مایکل راش است می‌پردازد. در این مطالعه، 730 نفر دانشجویان دانشگاه تهران که از طریق نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده بودند و با کاربرد روش پیمایش و استفاده از پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفتند. برای آزمون فرضیه‌ها از روشهای تحلیل همبستگی، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌های تحلیل داده‌ها نشان داد که هر چه میزان و کیفیت استفاده از اینترنت بیشتر و بالاتر باشد، سطح مشارکت سیاسی کاربران اینترنت (دانشجویان) نیز افزایش می‌یابد. البته کیفیت استفاده از اینترنت سهم بیشتری در افزایش میزان مشارکت سیاسی کاربران اینترنت داشته است. بنابراین نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اینترنت می‌تواند به افزایش مشارکت سیاسی کمک کند و این امر نظریه هابرماس در حوزه عمومی را مورد تأیید قرار می‌دهد. سایر یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که 56% افراد مورد مطالعه، در سطح متوسط به فعالیت سیاسی می‌پردازند در حالیکه راش این نسبت را در سطح پایین ارزیابی کرده بود. بنابراین برخلاف نظر راش و حداقل در فضای مجازی و در بین افراد تحصیل کرده کاربر اینترنت، سیاست لزوماً حوزه فعالیت یک گروه کوچک محسوب نمی‌شود. این سطح مشارکت همچنین بیانگر این نکته است که تکنولوژی-های نوین ارتباطی و به ویژه اینترنت می‌تواند نقشی بسیار متفاوت از رسانه‌های سنتی در ایجاد فضای مباحثه آزاد و شکل‌گیری افکار عمومی ناشی از گفتگوی عقلانی - انتقادی، و در نهایت کنش سیاسی افراد ایفا کند. این امر نشان می‌دهد که نظر هابرماس در خصوص کم‌تأثیر بودن رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی و تأثیر آن در مشارکت سیاسی لزوماً در میان کاربران اینترنتی در ایران تأیید نمی‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** اینترنت، مشارکت سیاسی، حوزه عمومی، مشارکت مدنی

---

<sup>1</sup> این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد احسن حقگویی، فارغ‌التحصیل گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می‌باشد.

## مقدمه و طرح مسئله

این مقاله به این مساله می پردازد که با وجود گسترش استفاده از اینترنت در ایران چه از نظر تعداد و چه از نظر کیفیت استفاده در نوبت اول در کشورهای خاور میانه قرار دارد، اما نقش این گسترش در افزایش و یا کاهش مشارکت سیاسی و یا در پیش روندگی حوزه عمومی ایرانی مشخص نشده است. نفوذ اینترنت در ایران،  $43/2$  درصد از جمعیت ایران را در سال 2009 و 2010 میلادی تحت تاثیر قرار داده است و  $52/5$  درصد از کاربران اینترنتی در خاور میانه را کاربران ایرانی تشکیل می دهند<sup>1</sup>. بر این اساس، هدف این مقاله تبیین میزان و کیفیت استفاده از اینترنت در ایران و تاثیر آن بر میزان مشارکت سیاسی و گسترش حوزه عمومی ایرانی است. این مطالعه از این حیث اهمیت دارد که با وجود آنکه مشارکت سیاسی را معمولاً یکی از شاخص های پویایی سیاسی در حوزه عمومی جوامع جدید می دانند اما تاثیر اینترنت بر مشارکت سیاسی تا کنون مورد مطالعه جدی قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، این پرسش مطرح است که با تغییر جهت ارتباطات رسانه ای سنتی به ارتباطات نوین، بخصوص گسترش اینترنت در ایران، اینترنت بر مشارکت سیاسی کاربران ایرانی چقدر تاثیر گذار بوده است؟ از این جهت در این مطالعه به نقش اینترنت در مشارکت سیاسی در ایران می پردازیم تا به بخشی از نیازهای تولید دانش در این حوزه پاسخ دهیم. در این معنا، مسئله این مطالعه و این مقاله به تعامل اینترنت و مشارکت سیاسی در ایران مربوط است. تصور ما این است که این مطالعه و نتایج آن توانسته تا حدودی به حل این مسئله بپردازد و نتایج آن قابلیت کاربرد در برنامه ریزی توسعه سیاسی و اجتماعی ایران در افق ده ساله مورد استفاده قرار گیرد. لازم به

---

<sup>1</sup> <http://www.internetworldstats.com/stats5.htm#me>

توضیح است که برخی از جوامع با وجود پویایی سیاسی در افزایش مشارکت مردم در حاکمیت و از طریق نهادهای مدنی و تشکل های سیاسی چندان موفق نیستند. چنین مسئله ای به مشکلات دیگری حتی در سایر حوزه ها از جمله اقتصاد، فرهنگ و اجتماع منجر می شود. حل این مسئله در ایران کمک می کند تا ضریب موفقیت برنامه های توسعه در ایران افزایش یابد.

برای حل مسئله ی این تحقیق، ابتدا پرسش راهنما را در زیر مطرح می کنیم و سپس با ارائه چارچوب نظری مایکل راش و حوزه عمومی هابرماس، شیوه انجام مشاهده کنش سیاسی کاربران در محیط اینترنت را پیشنهاد می کنیم و در پایان از طریق یافته های تجربی به حل مسئله می پردازیم. بدیهی است طرح نظری حوزه عمومی هابرماس به تمامه قابل ارزیابی در این مقاله نیست. از این جهت ما به نقش مشارکت سیاسی در اینترنت به عنوان شاخصی برای سنجش حوزه عمومی شدن اینترنت پرداخته ایم.

### **پرسش تحقیق:**

نظر هابرماس در مورد حوزه عمومی می تواند به اینترنت و قابلیت ایفای نقش آن در حوزه ی عمومی ربط منطقی پیدا کند. از رابطه بین حوزه عمومی و نقش اینترنت در مشارکت سیاسی چنین مستفاد شود که گسترش اینترنت می تواند به مشارکت سیاسی کمک کند. اما این قابلیت در اینجا تنها یک ادعای نظری است که ما آن را مطرح کرده ایم مگر اینکه به محک آزمون درآید تا به شکل یک الگو و قانون اجتماعی در آید. بنابراین پرسش زیر را در اینجا مطرح می کنیم تا بتوانیم آن را آزمون کنیم. آیا میزان و کیفیت استفاده از اینترنت، میزان مشارکت سیاسی کاربران را افزایش می دهد؟

برای فراهم آوردن پاسخ مناسب ابتدا رویکرد نظری مقاله را ارائه می‌کنیم تا نشان دهیم شکل و جهت مطالعه‌ی این تحقیق در این مقاله چگونه مشخص شده است. سپس نشان می‌دهیم که قرار است چه متغیرهایی مورد مشاهده قرار گیرند و رابطه میان کدام متغیرها قرار است تبیین شود. در پایان نیز نتایج تجربی را برای حل مسئله ارائه می‌کنیم.

### **ابعاد مفهومی و نظری تعامل میان اینترنت و کنش سیاسی کاربران اینترنت در ایران**

چارچوب نظری این مطالعه از برآیند رابطه علی میان مفاهیمی نظیر مشارکت سیاسی، میزان گسترش حوزه عمومی و میزان و کیفیت استفاده از اینترنت بدست می‌آید. در این چارچوب نظری، مفهوم مشارکت سیاسی را می‌توان هم در ادبیات راش و هم در ادبیات نظری هابرماس یافت. لازم به اشاره است که برداشت آنها در این خصوص متفاوت است چرا که راش علاقه‌ای به حوزه عمومی آنطور که مورد نظر هابرماس است، ندارد. در عین حال، رابطه میان مشارکت سیاسی، کاربری اینترنت و حوزه عمومی به شکل یک دستگاه نظری تمام و کمال نه در ادبیات راش موجود است و نه در ادبیات هابرماس. از این جهت هنر این بخش از مقاله ترکیب کردن سه مفهوم بالا به نحوی است که راش و هابرماس را در یک سنت پارادایمی قرار دهد. پارادایم مورد نظر ما گسترش حوزه عمومی است اما مفهوم مشارکت سیاسی را از کار شایسته مایکل راش وام می‌گیریم تا این سنتز ایجاد شود. بر اساس این مدل ترکیبی ابتدا به مفهوم مشارکت سیاسی راش به‌عنوان مفهوم اول از مدل سه‌گانه مفهومی می‌پردازیم.

بر اساس رویکرد مایکل راش اگر مشارکت را به مفهوم دخالت مردم، افراد و گروه‌ها در سرنوشت خویش و شرکت آنها در

شکل دهی و صورتبندی حیات اجتماعی و سیاسی خود بدانیم، به این نکته می‌رسیم که نقش مردم تنها در قالب انتخابات و حق رأی که پائین‌ترین سطح مشارکت سیاسی است عینیت پیدا نمی‌کند (راش، 1377). به عبارت دیگر، سایر سطوح مشارکت سیاسی آنطور که مایکل راش در مدل خود توضیح می‌دهد، نیز در یک حکومت مردمی اساسی و کلیدی می‌باشد. بر اساس این مدل نظری هرچه مشروعیت سیاسی و مشارکت مردمی کم رنگ‌تر باشد، ثبات یک نظام سیاسی هم بیشتر نیازمند توجه و ترمیم خواهد بود. مایکل راش، مشارکت سیاسی را دخالت فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از امتناع برای مشارکت گرفته تا داشتن مقام رسمی سیاسی/ اداری، تعریف می‌کند (راش، 1377: 123). البته میزان امتناع و رغبت به مشارکت بستگی به ظرفیتهای ساختاری هر جامعه دارد و با مطالعه نوع و سطح مشارکت می‌توان، شدت مشارکت سیاسی را اندازه‌گیری کرد.

بنابراین، بر اساس چنین تعریفی از مشارکت سیاسی، جلوه‌های گوناگون مشارکت سیاسی عبارتند از: الف- حضور فعال و حتی نیمه فعال افراد در تشکلهای سیاسی/ شبه سیاسی، ب- شرکت در بحث و گفتگوهای سیاسی، ج- شرکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، د- کمک‌های مالی به حزب مورد علاقه، س- آگاهی از مسائل سیاسی، ع- داشتن مقام رسمی سیاسی/ اداری و کلیه فعالیتها و رفتارهای سیاسی از این قبیل. پیوستن افراد در این رشته از مشارکتهای سیاسی نیازمند مهیا بودن زمینه و بستر مناسب آن است که اینترنت با ویژگی‌های منحصر به فرد خود این بستر را فراهم کرده و مشارکت سیاسی افراد را در دیگر سطوح تسهیل می‌کند. بنا بر این مفهوم دوم عبارت است از کاربری اینترنت و نقش آن در فعالیت‌های نوین در حوزه عمومی هابرماس.

در همین راستا باید اشاره کنیم که نقشی که رسانه های توده ای نظیر رادیو، تلویزیون در تأثیرگذاری و نفوذ در افکار عمومی و جهت دادن به آن بر اساس منافع اقلیتی از نخبگان سیاسی ایفا کرده و می کنند، موجب آن شده تا این رسانه ها از کارکردهایی که در گذشته به عنوان رکن چهارم دموکراسی بر عهده آنها بود، دور شوند. در چنین شرایطی، تقاضا برای فراتر رفتن از دموکراسی نمایندگی امروز و دستیابی به افق های جدید از مشارکت سیاسی، افزایش چشمگیری یافته است (میناوند چال، 1381). تسلط منافع نخبگان سیاسی و اقتصادی بر رسانه ها، امید به احیای نقش از دست رفته آنها در فرآیند دموکراسی را تضعیف کرده و در چنین شرایطی ظهور اینترنت با خصوصیات منحصر به فردی چون برخورداری از فضای گفتمانی (استنلی<sup>1</sup> و ویر<sup>2</sup>، 2004؛ کوینتلیر<sup>3</sup> و ویسرز<sup>4</sup>، 2008)، سانسور گریزی (عبداللهیان، 1384)، همزمانی ارتباطات (عاملی، 1383)، تعاملی بودن (مهدی زاده، 1383)، فراگیری و عدم تمرکز (دهقان، 1384)، موجب دسترسی آزاد و برابر به اطلاعات عمومی برای همگان شده و انجام گفتگو های عقلانی - انتقادی را در فضای مجازی تسهیل کرده و به شکلگیری افکار عمومی و نهایتاً کنش سیاسی جمعی کمک می کند. از آنجا که مشارکت برابر در همه عرصه های سیاسی و آزادی بیان همه افراد جامعه، شرط لازم وجود دموکراسی است، اینترنت با توجه به آنچه که در ذیل خواهد آمد، می تواند زمینه ساز و بستر ساز دموکراسی باشد.

مفهوم سوم به ارتباطات انسانی، اینترنت و مشارکت مدنی مربوط می شود که در یک سنتز قرار می گیرند تا مفهوم

---

<sup>1</sup>. Stanley

<sup>2</sup>. Weare

<sup>3</sup>. Ellen Quintelier

<sup>4</sup>. Sara Vissers

حوزه عمومی هابرماس را تداعی کنند. بحث ما در اینجا از اینقرار است که اینترنت فضایی را به وجود آورده است که افراد از اقصی نقاط جهان می توانند گرد هم آمده و گروههای مجازی و شبکه های اجتماعی مجازی تشکیل دهند. دالگرن (2005)، با تأکید بر این مسئله چنین می گوید: "با ظهور شبکه اینترنت، تعاملات مدنی به فضای مجازی راه پیدا کرد و ویژگی پراکنده حوزه عمومی تشدید شد؛ صورتهای ارتباطی که پیشتر به صورت ارتباطات یک به چند بود، به صورت تعامل یک به یک، تبدیل شد؛ (دالگرن، 2005: 149). در همین زمینه باید اشاره کرد که فناوریهای ارتباطی-اطلاعاتی و به ویژه اینترنت از یک سو، اطلاعات و آگاهی سیاسی و اجتماعی افراد را افزایش داده اند و از سوی دیگر، افراد و گروهها را در مسائل سیاسی و مدنی درگیر ساخته اند. پپا نوریس<sup>1</sup> (2001)، چند فرض عمده را در ارتباط با اثرات این فناوریها بر مشارکت مدنی، به شرح زیر مطرح می کند:

1- "اینترنت ممکن است به آگاه سازی، سازماندهی، بسیج و مشارکت مدنی افراد و گروهها به حاشیه رانده شده، جوانترها و اقلیتهای سیاسی منجر گردد" (به نقل از سردارآبادی، 1383: 81). به اعتقاد وی، اینترنت با تأمین فرصتهای سیاسی از قبیل کسب اطلاعات راجع به احزاب و گروههای سیاسی، دسترسی به کنفرانسهای اینترنتی، اتاقهای گفتگو، ارتباط دوسویه با مقامات حکومتی و فعالان سیاسی و غیره میتواند در بسیج و درگیر سازی مدنی تأثیرگذار باشد (همان، 82).

2- "اینترنت، میتواند در اشاعه ارزشهای دموکراتیک از قبیل مشارکت، آزادی بیان، تساهل، عدالت و غیره تأثیرگذار باشد. گسترش این ارزشها، میتواند بستر و

---

<sup>1</sup>.Norris

محیط همدلانه برای جنبش‌های اجتماعی و شبکه‌های حمایتی بین-المللی ایجاد کرده و مشارکت سیاسی را در سطح جهانی گسترش دهد. شواهد نشان می‌دهد که کاربران اینترنت در ایالات متحده و اروپا، گرایش بیشتری به ارزش‌های فرامادی و دموکراتیک داشته‌اند" (همان).

نکته مورد سنتز در اینجا است که رینگولد معتقد است در عصر فناوری‌های اطلاعاتی، حوزه عمومی تجدید حیات ریشه‌ای داشته‌است. در این حوزه علاوه بر تبادل اطلاعات، تعامل و گفتگوی شهروندان در اجتماعات مجازی ممکن گردیده‌است. به اعتقاد وی، شبکه‌های عمومی الکترونیکی، نمایانگر یک شکل جدید از دموکراسی الکترونیکی است (ملینا<sup>1</sup>، 2000: 27).

کلمن (1999:206) معتقد است:

"اینترنت، می‌تواند یک تریبون عمومی بی‌طرف برای تبادل نظر دموکراتیک و مستقل از کنترل دولت باشد و به لحاظ نظری، این تریبون می‌تواند با شرایط گفتگوی مطلوب و ایده‌آل مورد نظر هابرماس در حوزه عمومی سازگار باشد. برای مثال می‌توان به سایت یو کی سی او دی<sup>2</sup> دمکراسی آنلاین شهروندان بریتانیا" اشاره کرد. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد ترجیح می‌دهند با افراد و گروه‌های هم عقیده، تشکیل یک گروه بدهند، با این هدف که به همگنی بیشتر در عقاید و دیدگاه‌ها برسند.

اینترنت از قابلیت مناسب برای برقراری ارتباط بین فعالان سیاسی، گروه‌های مخالف و اشاعه دیدگاه‌های آنها و افشای اسناد محرمانه، فساد حکومتی جمع‌آوری شکایت‌های اینترنتی، سازماندهی رفتارهای سیاسی و اشاعه اطلاعات سیاسی در سطح جهانی برخوردار است. برای مثال می‌توان به استفاده فعالان سیاسی چینی از اینترنت علیه اقدام دولت خود در سرکوب آزادی‌خواهان در میدان تیان‌آن‌من و استفاده چریک‌های شهر چی‌پاس از اینترنت علیه حکومت مکزیک اشاره کرد" (جانسون<sup>3</sup>، 2001: 100-99).

---

<sup>1</sup> Melina

<sup>2</sup> U.K.C.O.D

<sup>3</sup> Janson



بنا بر این، سودمندی اینترنت در زندگی سیاسی را می‌توان در هر سطحی از تصمیم‌گیری سیاسی؛ از انگیزش اولیه و ارائه اطلاعات در جریان گفتگوی سیاسی گرفته تا مرحله تصمیم‌گیری نهایی، مشاهده کرد. در وهله نخست، دستیابی به برنامه‌ها، اسناد طرح‌های سیاسی، گزارش‌ها، سوابق موضوعات و دیگر اسناد و مدارک به کمک اینترنت و سایر ابزارهای نوین ارتباطی تسهیل می‌شود. اینترنت در مراحل بعدی، فرصت‌های متنوع و گوناگونی در اختیار شهروندان و گروه‌های اجتماعی برای برقراری ارتباط با هم و با سیاستمداران قرار می‌دهد تا با بهره‌گیری از آنها به‌جای روش‌های سنتی مشارکت، از روش‌های مجازی استفاده کنند. در عین حال، از طریق شیوه‌های مستقیم مشارکت دموکراتیک وارد فرآیند تصمیم‌سازی نیز می‌شوند. علاوه بر این، تماس بین مردم و نهادهای سیاسی و اجتماعی از طریق اینترنت موجب کاهش هزینه و حذف تأثیرات محدودکننده مکان و زمان می‌شود.

بر اساس ملاحظات نظری بالا می‌توان گفت اینترنت با ویژگی‌های ذاتی خود، ظرفیت تبدیل شدن به حوزه عمومی را داشته و می‌تواند بهتر از رسانه‌های دیگر به مشارکت سیاسی کمک کند. همانطور که بحث کردیم کاربری اینترنتی، مشارکت سیاسی و گسترش حوزه عمومی به لحاظ نظری یک رابطه علی با یکدیگر دارند. به عبارت دیگر، برای اینکه حوزه عمومی شکل بگیرد باید مشارکت فعال امکان‌پذیر باشد اما مشارکت فعال در جهان جدید نه براساس مدل‌های رسانه‌ای سنتی بلکه بر اساس مدل جدید که می‌تواند بر اینترنت است تحقق می‌پذیرد. بر اساس این مدل سنتز نظری، آنچه در اینجا باید مورد مشاهده و آزمون قرار گیرد همین قابلیت است. نکته مهم این است که به دلیل گستردگی مفهوم حوزه عمومی ما از سنجش کلیه عناصر آن صرف‌نظر کرده ایم و تنها

بر اساس شاخص مشارکت سیاسی در اینترنت به سنجش قابلیت اینترنت برای تبدیل شدن به حوزه عمومی پرداخته ایم. برای آزمون این قابلیت، فرضیه های زیر را تدوین کرده و آزمون می کنیم.

### **فرضیه های مربوط به رابطه میان کاربری اینترنت و تاثیر آن بر مشارکت سیاسی :**

- 1- هرچه میزان استفاده از اینترنت افزایش یابد میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نیز افزایش می یابد؛
- 2- کیفیت استفاده از اینترنت بر افزایش میزان مشارکت سیاسی دانشجویان تاثیر مثبت دارد؛
- 3- با افزایش میزان و کیفیت استفاده از اینترنت میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نیز افزایش می یابد. جلوه های سنجش این فرضیه بر اساس عوامل زیر خواهد بود:
  - الف- شرکت در انتخابات ملی / منطقه ای و محلی چه به صورت رأی دادن و چه به صورت تحریم انتخابات؛
  - ب- ارتقای شعور و آگاهی سیاسی دانشجویان؛
  - ج- ایجاد وبلاگها و رسانه های سیاسی دانشجویی جهت انعکاس موضع خود به مسئولان دولتی و افراد جامعه؛
  - د- شرکت در بحث های سیاسی؛
  - س- شرکت در اعتراضها و تحصن ها؛ و
  - ع- عضویت در تشکل های سیاسی یا هواداری.

### **روش شناسی و شرح نکات ویژه روش پژوهش در مطالعه اینترنت و مشارکت سیاسی**

برای آزمون فرضیه ها از روش کمی و پیمایش استفاده شد و برای جمع آوری داده ها همانطور که به آن اشاره شد از پرسشنامه ای استفاده شد که متغیرها متعددی را مورد آزمون قرار می داد. در این پرسشنامه، از 13 پرسش و 28 متغیر استفاده شده بود تا بتوان میزان استفاده از اینترنت در ایران و تاثیر آن بر میزان مشارکت سیاسی را تبیین کرد. اما در اینجا تنها به ذکر آن دسته از متغیرهایی می پردازیم که مستقیماً به فرضیه های بالا مربوطند. پرسشها، با توجه به ادبیات و چارچوب نظری،

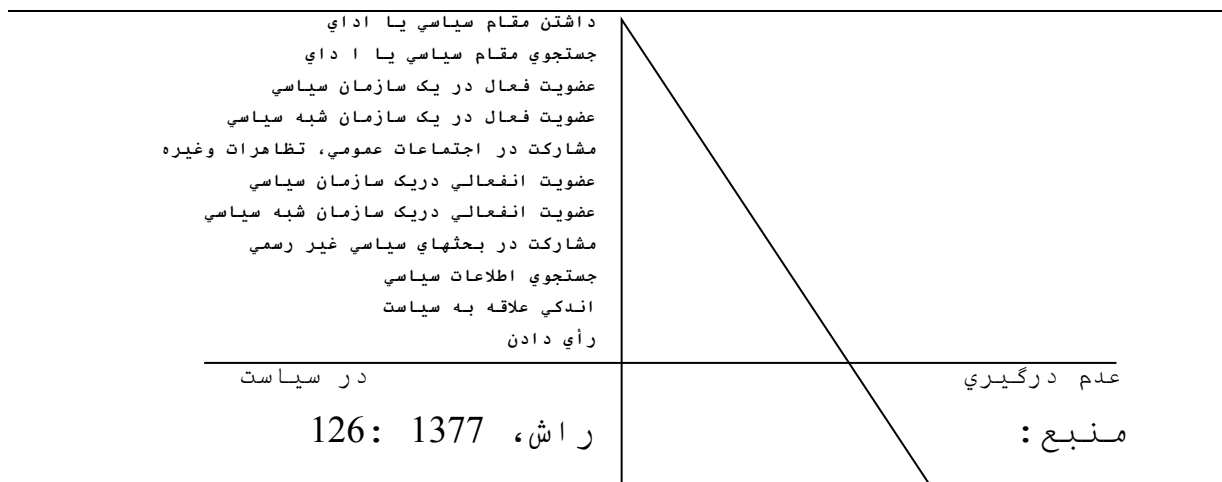
پرسش تحقیق و فرضیه های آن و به منظور عملیاتی کردن متغیرها و تسهیل در اندازه‌گیری آنها طراحی شده اند. در بحث زیر نیز روش عملیاتی کردن و سنجش رابطه بین متغیرها و اندازه‌گیری مشارکت سیاسی و استفاده از اینترنت توضیح داده خواهد شد.

## تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

### 1- مشارکت سیاسی

متغیر وابسته این مقاله میزان مشارکت سیاسی دانشجویان است. در این مطالعه برای سنجش میزان مشارکت سیاسی از الگوی سلسله مراتب مشارکت سیاسی مایکل راش استفاده شده است. مایکل راش سلسله مراتب مشارکت سیاسی را به شکل زیر ترسیم می‌کند:

شکل 1 - سلسله مراتب مشارکت سیاسی



راش معتقد است که مفهوم سلسله مراتب مشارکت سیاسی لزوماً متضمن فعالیت در یک سطح به عنوان پیش شرط فعالیت در سطح دیگر نیست، همچنین نیازی نیست که در آن اعتراض به منزله شکل خاصی از فعالیت به صورت سلسله مراتبی متمایز شود (راش، 125-126). او هدف سلسله مراتب را توصیف انواع

گوناگون مشارکت سیاسی در ارتباط با این گزاره می‌داند که هر چه سطح فعالیت بالاتر باشد، میزان مشارکت سیاسی که بر حسب تعداد افراد در گیر در یک فعالیت معین سنجیده می‌شود، پایین‌تر است (همان). همچنین اضافه می‌کند که اهمیت سطوح مختلف مشارکت سیاسی ممکن است از یک نظام سیاسی به نظام سیاسی دیگر فرق کند و سطوح معین ممکن است در یک نظام اهمیت بیشتری داشته باشد و در نظام دیگر چندان اهمیت نداشته باشد (همان).

به نظر راس، مشارکت تاثیر عوامل زیر تغییر می‌کند: انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی، محیط سیاسی، مهارت‌ها، منابع، تعهد و اثر بخشی سیاسی (این احساس که می‌توان در سیاستها و خط مشی‌ها تاثیر گذاشت). اما این مقاله به مطالعه عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی نمی‌پردازد بلکه به مطالعه قابلیت‌های اینترنت برای آنکه به گسترش حوزه عمومی ایرانی کمک کند، خواهد پرداخت. بر اساس رویکرد نظری هابرماس در مورد حوزه عمومی، باید فضاهایی باشند که به افزایش مشارکت سیاسی کمک کنند تا حوزه عمومی محقق شود. ما در اینجا این رویکرد هابرماس را به کاربردهای اینترنت تعمیم داده ایم و می‌خواهیم ببینیم که اینترنت این قابلیت را دارد تا همانند فضاهایی همچون رسانه‌های سنتی و محله‌های گردهم آیی به مشارکت سیاسی و تامین حوزه عمومی کمک کند یا خیر.

میزان مشارکت سیاسی را نیز با استفاده از مدل مخروطی سلسله مراتب مایکل راس (شکل 1) برای سنجش سطح مشارکت سیاسی عملیاتی کرده ایم. در سطوح بالای این سلسله مراتب افرادی قرار دارند که انواع گوناگون مقامات رسمی را در نظام سیاسی بر عهده دارند. از آنجمله می‌توان به صاحبان مقامات سیاسی و اداری در سطوح گوناگون قدرت اشاره کرد. مطالعه‌ی صاحبان مقامات رسمی باید شامل

کسانی نیز باشد که خواهان مقامات مربوط بوده و برای بدست آوردن آن تلاش می کنند (همان، 126). در سطوح پایین و پس از افرادی که یا مقام رسمی دارند و یا در پی کسب آن هستند، کسانی قرار دارند که عضو فعال انواع سازمانهای سیاسی یا شبه سیاسی هستند. این افراد یا در انواع احزاب سیاسی فعالند و یا عضو گروههای فشار (ذی نفع) محسوب می شوند. اینگونه سازمانهای سیاسی معمولاً سازمانهایی هستند که افراد را برای کنشهای سیاسی مدیریت می کنند. افراد نیز به نوبه خود از این سازمانها استفاده می کنند تا بتوانند در انواع معینی از فعالیتهای سیاسی، شامل دفاع از اندیشه ها، مشاغل، موقعیتهای افراد یا گروههایی معین، یا ارتقای هریک از اینها مشارکت کنند. اصطلاح "سازمان سیاسی"<sup>1</sup> در شکل 1، هم شامل احزاب سیاسی و هم شامل آن گروههایی می شود که "علت وجودی شان" اساساً سیاسی است و اصطلاح "سازمان شبه سیاسی"<sup>2</sup> شامل آن گروههای فشار و سازمانهای دیگری می شود که کارکردشان تنها به طور جزئی یا به طور متناوب سیاسی است (همان، 127). مشارکت در احزاب یا گروههای فشار ممکن است شکل فعال یا انفعالی به خود بگیرد و از گرفتن مقام رسمی در چنین سازمانی تا دادن کمک مالی از طریق پرداخت حق اشتراک یا حق عضویت را در برگیرد. هیچ گونه تمایز دقیقی میان عضویت فعال و انفعالی در نظر گرفته نمی شود و فرد می تواند با تغییر شرایط از یکی به دیگری انتقال یابد. (همان، 128). با وجود این تعهدی اساسی نسبت به سازمان از طریق عضویت همچنان ادامه دارد که ممکن است با تقویت مذاکرات سازمان و تأثیر گذاردن در رفتار سیاسی

---

<sup>1</sup> Political organization

<sup>2</sup> Quasi-political organization

فرد، هم برای سازمان و هم برای فرد، تا اندازه ای اهمیت اساسی داشته باشد.

به دلایل گوناگونی افراد ممکن است به هیچ سازمان سیاسی یا شبه سیاسی تعلق نداشته باشند، اما ممکن است به مشارکت در شکلی از اجتماعات عمومی یا تظاهرات خیابانی ترغیب شوند. این شکل مشارکت ممکن است خود به خودی باشد، اما اغلب توسط احزاب سیاسی یا گروههای فشار به عنوان بخشی از فعالیت سیاسی آنها سازمان می یابد. با این همه، این نوع فعالیت بر اساس دسته بندی راسخ شکل فعالانه تری از مشارکت در مقایسه با عضویت انفعالی در یک حزب یا گروه فشار در نظر گرفته می شود، گرچه افراد کمتری ممکن است در اینگونه مشارکتهای دخالت کنند (همان، 129).

یکی دیگر از شکلهای مشارکت سیاسی، مشارکت در بحثهای غیر رسمی در خانواده ها، در محل کار و یا در میان دوستان است. بدیهی است، رخداد چنین بحثهایی چه در میان افراد و چه در رابطه با رویدادها تفاوت می کند. احتمال دخالت در مباحث در طول مبارزات انتخاباتی و یا در مواقع بحرانهای سیاسی بیشتر است. از سوی دیگر، نگرشهای خانوادگی، همکاران یا دوستان می تواند مانع بحث شود و یا آن را تشویق کند.

با این حال بعضی از مردم ممکن است با هیچ کس درباره سیاست بحث نکنند، اما به مسائل سیاسی علاقه داشته باشند و آن علاقه را از طریق رسانه های همگانی حفظ کنند. اینگونه افراد همواره از آنچه روی می دهد آگاهند و دربارهی رویدادها عقاید خود را دارند، با اینحال تمایل دارند تا مشارکت خود را در همین حد و شاید در حد مشارکت در رأی دادن محدود کنند.

رأی دادن را می توان کمترین شکل فعال مشارکت سیاسی در نظر گرفت، چون نیازمند کمترین تعهد است و به محض اینکه رأی به صندوق انداخته شد ممکن است مشارکت به پایان برسد. علاوه بر این رأی دادن به طور اجتناب ناپذیری با فراوانی و تکرار انتخابات محدود می شود (همان: 129).  
 بعبارت دیگر به تعداد انتخاباتی که در پیش رو است، فرد می تواند شرکت کند و رای دهد؛ اما مشارکت در بحث های غیر رسمی سیاسی که طبق الگوی راش شکلی از مشارکت سیاسی است، محدودیتی برای فرد ندارد و هر زمان بخواهد می تواند در این بحثها شرکت کند. شکل دیگری از مشارکت نیز به افرادی مربوط می شود که اصلا مشارکتی ندارند. راش معتقد است که در مطالعه مشارکت سیاسی حتی اگر این مشارکت محدود باشد، باید به افرادی نیز توجه شود که اصلا در فرآیند سیاسی مشارکت نمی کنند (همان). اما در اینجا شایان ذکر است که ما در مشاهدات خود به مطالعه نمونه های پرداختیم که حداقل یک بار در انتخابات شرکت کرده بودند.  
 تبیین رابطه میان استفاده از اینترنت و افزایش مشارکت سیاسی در مدل نظری این مقاله مورد بحث قرار گرفت. اما برای اندازه گیری تجربی این مفاهیم از پرسشنامه ای با ویژگیهای زیر استفاده شد که همان مفاهیم نظری را به متغیرهای قابل سنجش تبدیل کرد. در این پرسشنامه، میزان مشارکت سیاسی بر اساس الگوی مشارکت سیاسی مایکل راش و با استفاده از 18 گویه زیر مورد سنجش قرار می دهد.

شماره	گویه ها	بسیار کم					بسیار زیاد
1	خود را مقید به شرکت در تمامی انتخابات می دانم	1	2	3	4	5	6 7
2	از طریق اینترنت از زمان انتخابات، نامزد ها و برنامه های آنها آگاه شده- ام	1	2	3	4	5	6 7
3	از طریق اینترنت از وجود تحصن ها و اعتراضات با خبر شده ام	1	2	3	4	5	6 7
4	مقالات سیاسی روز که به صورت آنلاین در اینترنت موجود است، را می خوانم	1	2	3	4	5	6 7

7	6	5	4	3	2	1	وبلاگ من داراي محتو اي سياسي نيز هست	5
7	6	5	4	3	2	1	انتقاد از عملکرد سياستمداران بايستي وجود داشته باشد	6
7	6	5	4	3	2	1	نظر خود را براي عضو شوراي محلي يا نماينده پارلمان ارسال کرده ام	7
7	6	5	4	3	2	1	با دوستانم درباره ي مسائل سياسي از طريق اينترنت بحث کرده ام	8
7	6	5	4	3	2	1	در تالارهاي گفتگو يا در اتاقهاي گپ - اينترنتي درباره ي مسائل سياسي و عمومي جامعه بحث کرده ام	9
7	6	5	4	3	2	1	تلاش کرده ام از طريق اينترنت براي نشریات و روزنامه ها مقالاتي با محتواي سياسي بفرستم	10
7	6	5	4	3	2	1	در تحصن ها و اعتراضات شرکت کرده ام	11
7	6	5	4	3	2	1	عضو منفعل تشکل هاي سياسي (بسيج/ انجمن اسلامي) / شبه سياسي هستم	12
7	6	5	4	3	2	1	در تحصن ها و اعتراضات سخنراني کرده ام	13
7	6	5	4	3	2	1	با ايجاد وبلاگ به هواداري از يك فرد يانهاد سياسي پرداخته ام	14
7	6	5	4	3	2	1	عضو فعال تشکل هاي سياسي (بسيج/ انجمن اسلامي/ دفتر تحکيم وحدت) / شبه سياسي هستم	15
7	6	5	4	3	2	1	تلاش کرده ام به تشکل هاي سياسي / شبه سياسي کمکهاي مالي بکنم	16
7	6	5	4	3	2	1	تلاش کرده ام که مقام سياسي / اداري را کسب کنم	17
7	6	5	4	3	2	1	در گذشته مقام اداري / سياسي هم در زندگي سياسي ام کسب نموده ام	18

در تحليلها، ابتدا ويژگيهاي جمعيت نمونه بر اساس متغير وابسته يعني ميزان مشارکت سياسي توصيف شده است. در اين راستا، جمعيت مورد مطالعه بر اين اساس که تا چه اندازه وارد فراگردهاي سياسي مي شود و در چه سطوح اقدام به فعاليت هاي سياسي مي کند بر اساس تحليل گويه هاي 18 گانه به سه دسته زير تقسيم شدند:

**الف-** چنانچه ارائه پاسخ مثبت تنها به مجموع گويه هاي نظير 1- ميزان مشارکت در انتخابات، 2- ميزان آگاهي از زمان انتخابات، 3- ميزان آگاهي از وجود تحصن ها و اعتراضات، 4- ميزان خواندن مقالات سياسي روز، صورت بگيرد در اينصورت سطح مشارکت سياسي پائين سنجنده شده است.

**ب-** همچنين، اگر پاسخ مثبت تنها به مجموع گويه هاي نظير 1- داشتن وبلاگي با محتواي سياسي، 2- ميزان انتقاد از



عملکرد سیاستمداران، 3- ارسال نظر خود برای عضو شورای محلی یا نماینده مجلس، 4- بحث درباره مسایل سیاسی از طریق اینترنت، 5- ارسال مقالات سیاسی برای نشریات و روزنامه‌ها، 6- شرکت در تحصن‌ها و اعتراضات و 7- عضو منفعل تشکل‌های سیاسی/ شبه سیاسی، 8- گپ اینترنتی سیاسی؛ عرضه شده باشد در اینصورت سطح مشارکت سیاسی متوسط سنجیده شده است. و سرانجام،

ج- چنانچه پاسخ مثبت به مجموع گویه‌هایی نظیر 1- سخنرانی در تحصن‌ها و اعتراضات، 2- هواداری از یک فرد یا نهاد سیاسی، 3- عضو فعال تشکل‌های سیاسی/ شبه سیاسی، 4- کمک مالی به تشکل‌های سیاسی/ شبه سیاسی، 5- تلاش در جهت به دست آوردن مقام سیاسی/ اداری و 6- داشتن مقام سیاسی/ اداری، رخ داده باشد در آنصورت سطح مشارکت سیاسی بالا سنجیده شده است. همانطور که نمایش داده شده، پاسخ‌ها در طیف 7 در جهای لیکرت از بسیار کم با شماره 1 تا بسیار زیاد با شماره 7 پراکنده شده‌اند. هرچه نمره این طیف به عدد 7 نزدیکتر باشد، نشان دهنده بالا بودن میزان مشارکت سیاسی در هر یک از سطوح ذکر شده، می‌باشد.

### 1- میزان استفاده از اینترنت

میزان استفاده از اینترنت در طول هفته و بر حسب ساعت و از طریق پرسشی به همین مضمون و به صورت باز مطرح، مورد سنجش قرار گرفت. همچنین در پرسشی دیگر و با استفاده از 4 گویه زیر، نحوه و میزان استفاده از اینترنت در طول روز مورد سنجش قرار گرفت:

1- تا چه میزان برای کسب خبرهای سیاسی، از سایت‌های اینترنتی استفاده می‌کنید؟

2- تا چه میزان از پست الکترونیک استفاده می‌کنید؟

3- تا چه میزان وقت خود را صرف گردش در سایتهای خبری می کنید؟  
4- تا چه میزان از اطلاعات علمی و تخصصی موجود در اینترنت استفاده می کنید؟  
نکته قابل توجه آن است که این پرسش علاوه بر این که نوع و میزان استفاده از اینترنت را می سنجید، متوسط استفاده از اینترنت در طول هفته را نیز می سنجید. شیوه سنجش به این صورت است که چنانچه مجموع ساعتهای گویه های چهارگانه بالا در عدد 7 ضرب شود، تقریباً رقمی برابر یا نزدیک به ارقام پرسش میزان استفاده از اینترنت می شود که متوسط استفاده از اینترنت در طول هفته را می سنجد. این دو پرسش در واقع به نوعی پرسش کنترلی محسوب می شوند.

### 3- کیفیت استفاده از اینترنت

منظور از کیفیت استفاده از اینترنت، میزان زمانی است که شخص جهت جستجو، خواندن خبرهای سیاسی، درج خبرها، سیاسی در وبلاگ و یا بحث در مورد مسائل سیاسی در تالارهای گفتگوی اینترنتی صرف می کند. کیفیت استفاده از اینترنت از طریق کاربرد طیف لیکرت و گویه های زیر مورد اندازه گیری قرار گرفته است:

- 1- هر بار که وارد اینترنت می شوم خبرهای سیاسی را نیز جستجو می کنم
  - 2- بیشتر زمانی که در شبکه اینترنت هستم صرف خواندن خبرهای سیاسی می کنم
  - 3- در تالارهای گفتگوی اینترنتی که شرکت می کنم از مسائل سیاسی نیز بحث می کنم
  - 4- وبلاگ من دارای محتوای سیاسی نیز هست
  - 5- بیشترین استفاده من از اینترنت کسب خبرهای سیاسی است
  - 6- احساس می کنم از زمانی که از اینترنت استفاده می کنم با بسیاری از تشکلهای سیاسی و جریانهای سیاسی بیشتر آشنا شده ام
- پاسخ ها در طیفی 7 نقطه ای از کاملاً مخالف با شماره 1 تا کاملاً موافق با شماره 7 پراکنده شده اند، که هر چه نمره ی

این طیف به عدد 7 نزدیکتر باشد، نشان دهنده ی بالا بودن میزان کیفیت استفاده از اینترنت است. برای روشن شدن واحدهای تحلیل و ویژگیهای میدان تحقیق، در اینجا به بحث نمونه گیری می پردازیم.

### **واحد تحلیل و روش نمونه گیری**

جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان غیر پزشکی ورودی 1383 کارشناسی و ورودی 1384 کارشناسی ارشد است که در زمان تحقیق در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل بوده اند. حجم این جامعه آماری شامل 6485 نفر دانشجوی می شده است. دلیل انتخاب دانشجویان این دو ورودی نیز به این امر مربوط می-شد که تقریباً دانشجویان ورودی 1383 کارشناسی مدت چهار سال و دانشجویان کارشناسی ارشد ورودی 1384 مدت 7 سال است که به اینترنت دسترسی داشته و از آن استفاده نموده اند و بنابراین تأثیرات اینترنت را بر روی این دو ورودی از نظر میزان مشارکت سیاسی بهتر می توان مطالعه کرد. همچنین بر اساس چارچوب نظری مقاله فعالان حوزه مشارکت سیاسی و حوزه عمومی بیشتر شامل دانشجویان است که از ترکیب این دو دلیل به این نتیجه رسیدیم که میدان تحقیق را از میان دانشجویان و این دو ورودی انتخاب کنیم. برای تعیین حجم نمونه، محققان از نتایج پیش آزمونی که از توزیع 50 پرسشنامه در میان افراد جامعه آماری انجام داده بود، استفاده کردند. با توجه به ناهمگنی که در جامعه آماری وجود داشت از کل جامعه آماری بر اساس کاربرد نتایج پیش‌آزمون در فرمول تعدیل شده کوکران با ملاحظات دکتر عبداللهیان و دکتر شیرانی به شرح زیر برآورد حجم نمونه شده است.

**فرمول شماره 1:**

$$n = \frac{t^2 \frac{s^2}{\bar{y}_N^2}}{E^2 + \frac{1}{N} t^2 \frac{s^2}{\bar{y}_N^2}}$$

(فرمول تعدیل شده کوکران همراه با ملاحظات دکتر شیرانی و دکتر عبداللهیان)

$$n = \frac{3/84 \times \frac{/2211}{/4489}}{/0025 + /0001} = \frac{1/9}{/0026} = 730$$

بنابراین حجم نمونه در میان دانشجویان غیر پزشکی کارشناسی ورودی 1383 و کارشناسی ارشد ورودی 1384 دانشگاه تهران با در نظر گرفتن ترکیبی از متغیرهای جنس و سطح تحصیلات 730 نفر محاسبه شد.

### تعیین حجم نمونه طبقات و گزینش نمونه‌ها به تفکیک طبقات

تخصیص نمونه کل بر حسب طبقات (دانشکده‌ها) جامعه آماری بر اساس فرمول توزیع متناسب با حجم نیمن (فرمول شماره 2) بر اساس دو طبقه:

1- مبتنی بر دانشکده‌های دانشگاه تهران و

2- مبتنی بر متغیر جنس

به شرحی که در ادامه می‌آید، صورت گرفت.

جهت تعیین نمونه مناسب (نمونه نماینده واقعی جامعه) بهترین روش نمونه‌گیری در طرح حاضر، روش نمونه‌گیری طبقه‌ای - نسبی می‌باشد. طبقات این مطالعه دانشکده‌ها هستند و نویسندگان از توزیع متناسب با حجم نیمن جهت تعیین نمونه مناسب استفاده کردند. در این روش ابتدا تعداد کل نمونه را بر حسب طبقات توزیع می‌کنیم که تعداد نمونه در هر طبقه مشخص شود و سپس به تفکیک جنس پاسخگو، نسبت زنان و مردان در داخل هر دانشکده مد نظر قرار می‌گیرد.

**فرمول شماره 2:**

$$n_{i_1} = \frac{N_{i_1}}{N_i} \times n_i \quad \text{فرمول متناسب با حجم نیمن:}$$

$n_{i_1}$  = تعداد نمونه در هر دانشکده (طبقه) که باید با این فرمول تعیین شود.

$N_{i_1}$  = حجم جامعه آماری طبقه مورد نظر

$n_i$  = تعداد کل نمونه بدست آمده

$N_i$  = جمعیت جامعه آماری کل طبقات

برای مثال اگر بخواهیم تعداد نمونه مناسب را در دانشکده

علوم اجتماعی دانشگاه تهران انتخاب کنیم، طبق فرمول بالا

به شرح زیر عمل می‌کنیم:

$$297 = N_{i_1}$$

$$730 = n_i$$

$$6485 = N_i$$

$$n_{i_1} = \frac{297 \times 730}{6485} = 34$$

به عبارت دیگر، از 730 پرسشنامه ای که باید در بین طبقات

توزیع می‌کردیم، 34 پرسشنامه آن باید بین دانشجویان دختر

و پسر دانشجوی نمونه در دانشکده علوم اجتماعی توزیع می

شد. شیوه‌گزینش نمونه‌ها هم بر اساس رجوع به درج اصلی

دانشکده و گزینش افراد بر اساس 50 نفر خروجی صورت گرفت

تا تصادفی بودن حجم نمونه تضمین شده باشد.

### روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های این مطالعه، در دو سطح توصیفی و تحلیلی

صورت گرفته است. از آمار توصیفی برای توصیف داده‌ها و

از آمار استنباطی برای آزمون روابط بین متغیرها استفاده

شده است. در سطح توصیفی، از آمارهای توصیفی نظیر جدول

فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار، برای شرح

مختصات جامعه آماری و جمعیت نمونه استفاده شده است. در

سطح تحلیلی و استنباطی، و با توجه به فرضیه های اول و دوم تحقیق، و اینکه هدف این مقاله، ارائه نتایج مطالعه رابطه میزان استفاده از اینترنت و کیفیت استفاده از اینترنت با میزان مشارکت سیاسی کاربران است از تحلیل همبستگی استفاده کرده ایم. هدف تحلیل همبستگی، مطالعه میزان ارتباط بین متغیرها است؛ بدین معنی که با تغییر یک متغیر مستقل چه میزان تغییر در متغیر وابسته به وجود می آید. در انتها از یک برای آزمون فرضیه ی سوم از آنجایی که هدف، مطالعه ی رابطه ی همزمان دو متغیر و سهم هر کدام در پیش بینی پذیری متغیر وابسته است، از تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شده است.

### تحلیل یافته ها

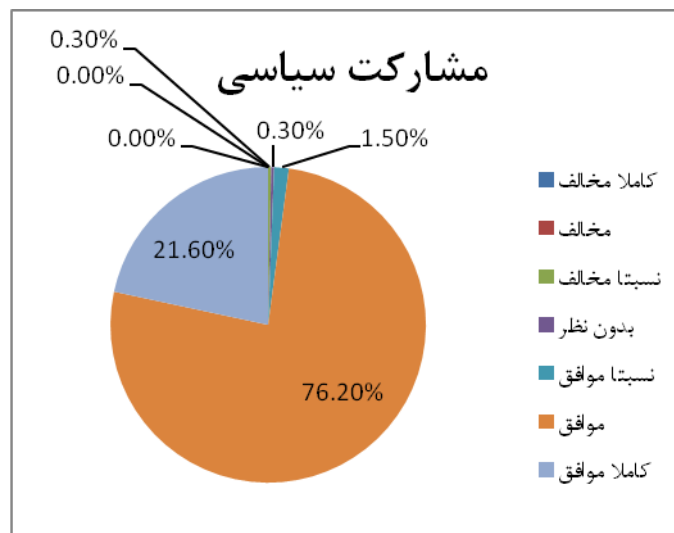
در اینجا ابتدا به تحلیل داده های سطح مشارکت سیاسی می پردازیم.

#### 1- سطح و میزان مشارکت سیاسی

در بخش نظری این منطق تشریح شد که اینترنت با ویژگیهای منحصر به فرد خود، قابلیت آن را دارد که به مثابه حوزه ی عمومی رفتار کند و انجام گفتگوهای عقلانی - انتقادی و شکل گیری افکار عمومی حاصل از این گفتگوها را تسهیل کند. نتیجه ی این فرآیند می تواند به مشارکت سیاسی کمک کند. پرسش این است که اگر بپذیریم اینترنت از لحاظ نظری قابلیت تبدیل شدن به حوزه ی عمومی را دارد، آیا به لحاظ تجربی نیز نمونه ها این قابلیت را تایید می کنند؟ و آیا می پذیرند که اینترنت می تواند همان نقشی را بازی کند که هابرماس برای حوزه ی عمومی در جهت کمک به مشارکت سیاسی بیان می دارد؟ این مفهوم در این تحقیق با 18 گویه و در قالب پرسشی مربوط به سطح و میزان مشارکت سیاسی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از پاسخ های

کاربران نشان داد که حدود 76 درصد از پاسخ‌دهندگان تأیید کرده‌اند که از طریق اینترنت در سطوح مختلف فعالیتهای سیاسی شرکت کرده‌اند (نمودار 1).

نمودار 1. میزان مشارکت سیاسی در اینترنت



اما اینترنت با وجود دارا بودن قابلیت و پتانسیل تبدیل شدن به حوزه‌ی عمومی، در ذات خود یک ابزار و وسیله است که ویژگی‌هایی مانند میزان و کیفیت استفاده از آن بر نتایج حاصل از استفاده از آن تأثیر مستقیم دارد. از این رو، پرسشی که این تحقیق قرار است به آن جواب دهد، این است که آیا میزان و کیفیت استفاده از اینترنت، بر روی میزان مشارکت سیاسی کاربران تأثیر گذار بوده است یا خیر؟ به بیان دیگر، سهم هرکدام از متغیرهای میزان و کیفیت استفاده از اینترنت در پیش‌بینی میزان مشارکت سیاسی کاربران چقدر بوده است؟

بر این اساس، در اینجا به مطالعه‌ی توصیفی داده‌های بدست آمده برای متغیرهای تحقیق یعنی 1- میزان استفاده از اینترنت 2- کیفیت استفاده از اینترنت (شامل شش گویه) و 3- متغیر میزان مشارکت سیاسی (شامل گویه‌های هجده گانه که در بخش عملیاتی کردن متغیرها اشاره شد، می‌پردازیم.

همانطور که پیش تر عنوان شد برای مطالعه توصیفی داده‌های حاصله از سنجش متغیرهای تحقیق، از میانگین به عنوان شاخص گرایش مرکزی و انحراف معیار به عنوان شاخص پراکندگی استفاده شده است. مقادیر فوق در جداول 1 تا 3 آمده‌اند.

شواهد پیمایش تجربی نشان می‌دهند که پاسخ دهندگان به طور متوسط حدود 15 ساعت در هفته از اینترنت استفاده می‌کنند و با توجه به انحراف معیار 5/95، می‌توان گفت که میزان استفاده ی پاسخ دهندگان تفاوت زیادی با هم ندارد (جدول 1).

جدول 1- داده های توصیفی مربوط به میزان استفاده از اینترنت

میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
15/94	5/95	/22

همچنین برای میانگین کیفیت استفاده از اینترنت رقم 24/72 بدست آمده است که نشان می‌دهد که در جامعه آماری این مطالعه اگر مبناي قضاوت را توزیع مقادیر کیفیت استفاده از اینترنت قرار دهیم، در اینصورت کیفیت استفاده از اینترنت در حد متوسط است. البته با توجه به انحراف معیار این توزیع که برابر 11/43 است، چنین به نظر می‌آید که تفاوت زیادی در کیفیت استفاده از اینترنت در بین پاسخ دهندگان وجود دارد (جدول 2).

جدول 2- داده های توصیفی مربوط به کیفیت استفاده از اینترنت

میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
24/72	11/43	/42

در نهایت مشاهدات تجربی ما در مورد میزان مشارکت سیاسی پاسخ دهندگان با توجه به میانگین 73/54 و انحراف معیار 19/8، نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی پاسخ دهندگان با



عنایت به توزیع مقادیر بدست آمده، در حد خوب بوده ولی تفاوت بسیار زیادی در میزان مشارکت سیاسی آنها وجود دارد (جدول 3)

جدول 3- داده های توصیفی مربوط به میزان مشارکت سیاسی

خطای معیار	انحراف معیار	میانگین
/73	19/8	73/54

برای سنجش میزان مشارکت سیاسی، همانطور که در بخش عملیاتی کردن متغیرها اشاره شد، از الگوی سلسله مراتب مشارکت سیاسی "مایکل راش" استفاده شده است. در این راستا، جمعیت مورد مطالعه بر این اساس که تا چه اندازه وارد فراگردهای سیاسی می شوند و در چه سطوحی اقدام به فعالیت های سیاسی می نمایند به سه دسته تقسیم شدند. دسته بندی نظری بالا را پس از عملیاتی کردن در میدان تحقیق به آزمون در آوردیم و نتایج تجربی این تقسیم بندی در اینجا در جدول شماره 4 نشان داده شده است. بر اساس سنتز الگوی نظری راش در مورد مشارکت سیاسی و داده های تجربی جدول شماره 4 می توان بیان داشت که بیش از نیمی از دانشجویان (56 درصد)، مشارکت سیاسی در حد متوسط داشته اند. مثلاً در تحصن ها و اعتراضات شرکت نموده اند. این دانشجویان همچنین از عملکرد سیاستمداران انتقاد کرده اند. در دسته بعد، 24 درصد دانشجویان نشان دادند که مشارکت سیاسی در حد پایین داشته اند مثلاً در انتخابات شرکت کرده اند و از طریق اینترنت از زمان انتخابات، نامزد ها و برنامه های آنها آگاه شده اند. این در حالی است که 20 درصد از جمعیت دانشجویان مورد مطالعه در دسته سوم قرار می گیرند چرا که مشارکت سیاسی بالایی را طبق الگوی مشارکت سیاسی راش داشته اند.

جدول 4. - داده های توصیفی مربوط به میزان مشارکت سیاسی دانشجویان

میزان مشارکت	فراوانی	درصد
--------------	---------	------

سیاسی		فراوانی
مشارکت سیاسی پایین	175	24
مشارکت سیاسی متوسط	409	56
مشارکت سیاسی بالا	146	20
جمع	730	100

نتایج این تحقیق در این بخش متفاوت با این نظر راش است که معتقد است هر چه سطح فعالیت بالاتر باشد، میزان مشارکت سیاسی که بر حسب تعداد افراد درگیر در یک فعالیت معین سنجیده می شود، پایین تر است. راش بیان می دارد که سطوح بالاتر مشارکت سیاسی تنها نسبت اندکی از جمعیت، و سطوح پایین تر، اکثریت جمعیت را در بر می گیرند. به طور خلاصه، سیاست اساساً فعالیت محسوب می شود که از نظر راش به گروهی اقلیت محدود می شود و اکثریت تمایلی به دخالت در سیاست ندارند. وی همچنین معتقد است که بالاترین میزان مشارکت در انتخابات (پایین ترین سطح مشارکت) دیده می شود و بیشتر شکلهای دیگر مشارکت سیاسی، نسبت بسیار کمتری از جمعیت بزرگسالان را در بر می گیرد (راش، 1377: 130-131). اما بر اساس یافته های حاصل از تحلیل داده های پیمایش حاضر (جدول 4) مشارکت سیاسی اکثریت افراد جامعه آماری این تحقیق (56 درصد)، در سطح متوسط بوده است. از این نظر می توان در نظریه راش درباره میزان مشارکت سیاسی (مشارکت بالا، متوسط و پایین) این نکته را اضافه کرد که در جوامع آماری گوناگون، میزان مشارکت سیاسی که بر حسب تعداد افراد درگیر در یک فعالیت معین سنجیده می شود بسته به سطح مشارکت سیاسی تفاوت خواهد کرد. چراکه همانطور که یافته های این تحقیق نشان می دهد در جامعه کاربران اینترنتی دانشجویان، اکثریت کاربران در سطح متوسط فعالیت سیاسی مشارکت کرده اند و نه

بر طبق گفته راش در سطح پایین آن (جدول 4). بنابراین بالاترین سطح مشارکت در جامعه دانشجویان کاربر اینترنت نه تنها در انتخابات، بلکه در سطوح دیگر (به ویژه سطح متوسط) از جمله مشارکت در بحث‌های غیر رسمی، عضویت فعال و غیرفعال در تشکل‌های سیاسی و شرکت در تظاهرات و تحصن‌ها و راهپیمایی‌ها دیده می‌شود.

بنابراین آنچنانکه داده‌های تحقیق نشان می‌دهند، و بر خلاف رویکرد راش، سیاست لزوماً فعالیتی محسوب نمی‌شود که خاص یک گروه اقلیت باشد، حداقل در فضای مجازی و در بین افراد تحصیل کرده و کاربر اینترنت چنین نبوده است. شاید بتوان علت آن را این دانست که اینترنت با فراهم کردن دسترسی همگانی به اطلاعات، ایجاد تالارهای بحث و گفتگوی آزاد، و مهمتر از همه، فراهم آوردن امکاناتی که هر فرد خود دریافت کننده و تولید کننده اطلاعات نیز باشد، انگیزه‌های سیاسی افراد را افزایش داده و در نتیجه، احتمال مشارکت سیاسی افراد را بیشتر کرده است. البته همانطور که راش اشاره می‌کند، علاوه بر انگیزه‌های سیاسی باید نقش عواملی همچون مهارتها و منابع در دسترس و شخصیت فرد را نیز در مشارکت سیاسی در نظر گرفت. تحلیل توصیفی بالا تنها بخشی از نتایج این مطالعه بوده که به تنهایی نمی‌تواند به پرسش تحقیق پاسخ دهد. در بحث زیر تحلیلها را بر اساس آزمون فرضیه‌ها تکمیل می‌کنیم تا مسئله مقاله را پاسخ دهیم و به کاربردهای تجربی یافته نیز اشاره کنیم.

## آزمون فرضیه‌ها و تحلیل یافته‌ها

فرضیه اول: هر چه میزان استفاده از اینترنت افزایش یابد میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نیز افزایش می‌یابد.

در بخش نظری ادعا کرده بودیم که میزان استفاده از اینترنت بر روی میزان مشارکت سیاسی تأثیر مثبت می‌گذارد. در اینجا این فرضیه را می‌آزماییم تا ببینیم آیا داده‌های تجربی این ادعا را تایید می‌کنند یا خیر. این آزمون را با استفاده از ضریب همبستگی انجام می‌دهیم. آزمون ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از اینترنت و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان چنین رابطه‌ای برقرار است. چرا که حدود 27 درصد از واریانس میزان مشارکت سیاسی دانشجویان توسط میزان استفاده آنها از اینترنت تبیین می‌شود. به علاوه، با عنایت به مثبت بودن جهت همبستگی می‌توان چنین تفسیر نمود که با افزایش میزان استفاده از اینترنت، میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نیز افزایش یافته است (جدول 5). بنابراین فرضیه اول این پایان‌نامه تأیید شد و تجربه ما نشان داد که میزان استفاده از اینترنت بر روی میزان مشارکت سیاسی تأثیر مثبت می‌گذارد.

جدول 5- همبستگی بین میزان استفاده از اینترنت و مشارکت سیاسی دانشجویان

ضریب همبستگی	میزان همبستگی	ضریب تعیین (مجذور همبستگی)	جهت همبستگی	سطح معناداری
پیرسون	0/518	0/268	مثبت	0/01

این بدین معناست که با افزایش میزان استفاده از اینترنت احتمال افزایش مشارکت سیاسی نیز محتمل خواهد بود.

**فرضیه دوم: کیفیت استفاده از اینترنت بر افزایش میزان مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر مثبت دارد.**

در بخش نظری ادعا کرده بودیم که کیفیت استفاده از اینترنت بر روی مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد. در اینجا می-

خواهیم نشان دهیم که آیا به طور تجربی هم این رابطه تایید می شود یا خیر؟ روش آزمون تجربی استفاده از ضریب همبستگی است. آزمون ضریب همبستگی میان کیفیت استفاده از اینترنت از یکسو و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان از سوی دیگر نشان می دهد که حدود 61 درصد از واریانس میزان مشارکت سیاسی دانشجویان، بوسیله متغیر کیفیت استفاده آنها از اینترنت تبیین می شود. همچنین، با عنایت به مثبت بودن جهت همبستگی، می توان چنین تفسیر نمود که با افزایش کیفیت استفاده از اینترنت، میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نیز افزایش یافته است (جدول 6). بنابراین فرضیه دوم این مطالعه تایید شده است و داده های تجربی نشان داد که میزان استفاده از اینترنت بر روی میزان مشارکت سیاسی تأثیر مثبت می گذارد.

جدول 6- همبستگی بین کیفیت استفاده از اینترنت و مشارکت سیاسی دانشجویان

نوع ضریب همبستگی	میزان همبستگی	ضریب تعیین (مجذور همبستگی)	جهت همبستگی	سطح معناداری
پیرسون	0/781	0/609	مثبت	0/01

توضیح دیگر آنکه نتایج حاصل از تحلیل همبستگی داده ها نشان می دهد که متغیر میزان استفاده از اینترنت به تنهایی 27 درصد و متغیر کیفیت استفاده از اینترنت 61 درصد (همسو با فرضیه های اول و دوم تحقیق) از میزان مشارکت سیاسی کاربران را تبیین می کند. بنابراین می توان گفت که متغیر کیفیت استفاده از اینترنت نسبت به متغیر میزان استفاده از اینترنت، تأثیر بیشتری بر میزان مشارکت سیاسی دارد.

فرضیه سوم: با افزایش میزان و کیفیت استفاده از اینترنت میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نیز افزایش می یابد.

در بخش نظری بیان کرده بودیم که هر چه میزان و کیفیت استفاده از اینترنت بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی نیز می تواند در جهت مثبت تغییر کند. در اینجا چنین رابطه ای با کاربرد داده های تجربی مورد آزمون قرار می گیرد. هنگامی که متغیر وابسته ای همچون میزان مشارکت سیاسی دانشجویان، با دو یا چند متغیر مستقل دیگر نظیر میزان و کیفیت استفاده از اینترنت همبستگی علی دوطرفه داشته باشد؛ بجاست که رابطه تغییرپذیری و توانایی پیش بینی متغیر وابسته از روی تغییرات متغیرهای مستقل نیز مورد مطالعه قرار گیرد. این امر کم می کند تا میزان و سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته تعیین شود. این کار را با تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر متغیرهای مستقل و وابسته شدنی است که ما آن را در آزمون فرضیه سوم مورد توجه قرار داده ایم. بر اساس داده های جداول 5 و 6 می توان ضرایب همبستگی بین متغیرهای میزان و کیفیت استفاده از اینترنت با میزان مشارکت سیاسی را به شرح زیر در جدول 7 خلاصه کرد.

جدول 7- همبستگی بین کیفیت و میزان استفاده از اینترنت با مشارکت سیاسی دانشجویان

نوع ضریب همبستگی	متغیر مستقل متغیر وابسته	میزان استفاده از اینترنت	کیفیت استفاده از اینترنت
پیرسون	مشارکت سیاسی	0/518	0/781

ارقام جدول 7 نشان می دهد که رابطه ای مثبت بین متغیرهای میزان و کیفیت استفاده از اینترنت از یکسو و مشارکت سیاسی از سوی دیگر وجود دارد. بدین گونه که با افزایش میزان و کیفیت استفاده از اینترنت، میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می یابد.

همچنین از تحلیل رگرسیون بین میزان و کیفیت استفاده از اینترنت به عنوان متغیرهای مستقل و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان به عنوان متغیر وابسته، و با روش گام به گام<sup>1</sup> استفاده کردیم. در این روش متغیرهای مستقل به طور تک

1 Stepwise

تک وارد معادله رگرسیون شدند و اثر علی آنها مورد تحلیل قرار گرفت. در جدول زیر مقادیر R، R2، F و سطح معناداری مربوط به هر یک از مراحل ورود متغیرها آمده است.

جدول 8- داده های مربوط به رگرسیون کیفیت و میزان استفاده از اینترنت با مشارکت سیاسی دانشجویان

متغیر وارد شده	R	R2	F	سطح معناداری
کیفیت استفاده از اینترنت	0/812	0/659	1408/6	0/01
کیفیت و میزان استفاده از اینترنت	0/890	0/792	1381/4	0/01

همانطور که از مقادیر جدول شماره 8 پیداست، متغیر کیفیت استفاده از اینترنت به تنهایی حدود 66 درصد تغییرات میزان مشارکت سیاسی را پیش بینی می کند در حالی که وقتی با ارقام مربوط به میزان استفاده از اینترنت ترکیب می شود، تقریباً 80 درصد میزان مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین و پیش بینی می کند. ضرایب رگرسیون همین متغیرها به شرح جدول 9 می باشد.

جدول 9- ضرایب رگرسیون کیفیت و میزان استفاده از اینترنت با مشارکت سیاسی دانشجویان

متغیر وارد شده	ضریب رگرسیون	باقیمانده	ضریب رگرسیون استاندارد	سطح معناداری
کیفیت استفاده از اینترنت	1/4	38/76	0/812	0/01
کیفیت و میزان استفاده از اینترنت	1/27 1/23	22/24	0/738 0/371	0/01

ارقام جدول نشان می دهند که اگرچه کیفیت استفاده از اینترنت اکنون به جمع آوری اطلاعات محدود است و فرهنگ سیاسی کاربران را از این طریق می سازد، در عین حال، تغییر این کیفیت مثلاً به تحلیل سیاسی و آگاهی رسانی بیشتر از طریق مشارکت خود کاربران، می تواند تا 66 درصد بر تغییر مشارکت سیاسی آنان تاثیر مثبت بگذارد.

بنابراین معادله رگرسیون برای کیفیت و میزان استفاده از اینترنت ( $X_1$  و  $X_2$ ) جهت پیش بینی میزان مشارکت سیاسی دانشجویان ( $Y$ ) بر اساس داده‌های جدول شماره 9 به شرح زیر است.

$$Y=1/27 X_1 + 1/23 X_2 + 22/24$$

از داده‌های حاصل از پیمایش چنین بر می‌آید که بیش از نیمی از پاسخ دهندگان، مشارکت سیاسی در حد متوسط و بالا دارند (نگاه کنید به جدول 4). بر اساس آنچه در اینجا تحلیل شد باید اشاره کرد که حدود 80 درصد از میزان مشارکت سیاسی کاربران، با توجه به اثر متغیرهای میزان و کیفیت استفاده از اینترنت قابل تبیین است (جدول 8). بنابراین، میزان و کیفیت استفاده افراد از اینترنت می‌تواند به عنوان شاخصی برای تعیین میزان مشارکت سیاسی کاربران در سطح جامعه، مورد استفاده قرارگیرد. این بدان معنی است که هرچه میزان و کیفیت استفاده از اینترنت بیشتر و بالاتر باشد، منجر به بالا رفتن سطح مشارکت سیاسی کاربران می‌شود.

مطالعه دقیق‌تر روابط بین متغیرهای پیش‌بین به منظور تبیین و پیش‌بینی متغیر ملاک مستلزم تحلیل روابط کامل بین تمام متغیرهاست که این امر از طریق تحلیل مسیر امکان پذیر است. در تحلیل مسیر، ابتدا رگرسیون بین همه ی متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک را بدست آورده و سپس متغیری که بالاترین ضریب رگرسیون استاندارد را دارد به عنوان متغیر ملاک قرار داده و عمل رگرسیون را برای مابقی متغیرهای پیش‌بین انجام می‌دهیم. این کار تا جایی ادامه پیدا می‌کند که جایگاه همه متغیرها در ارتباط با هم معین شده باشد.



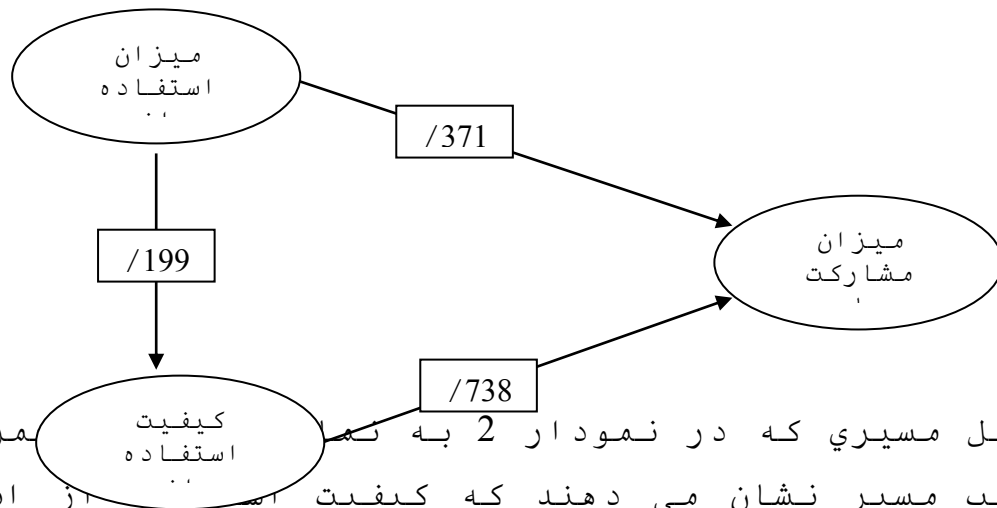
محاسبات و تحلیل‌های مربوط به مرحله اول تحلیل مسیر در جداول 8 و 9 انجام گرفته و از آنجاییکه طبق داده‌های جدول 9 متغیر کیفیت استفاده از اینترنت دارای ضریب رگرسیون استاندارد بالاتری نسبت به میزان استفاده از اینترنت است (0/738 در مقابل 0/371) رگرسیون بین متغیرهای کیفیت و میزان استفاده را مورد تحلیل قرار می‌دهیم. بر این اساس، متغیر میزان استفاده از اینترنت را به عنوان متغیر پیش‌بین و متغیر کیفیت استفاده از اینترنت را به عنوان متغیر ملاک در تحلیل وارد می‌کنیم. نتایج تحلیل در جدول شماره 10 آمده است.

جدول 10- ضرایب رگرسیون بین میزان استفاده از اینترنت با کیفیت استفاده از اینترنت

متغیر وارد شده	ضریب رگرسیون	باقیمانده	ضریب رگرسیون استاندارد	ضریب تعیین	سطح معناداری
میزان استفاده از اینترنت	0/381	18/674	0/199	0/039	0/01

داده‌های جدول 10 نشان می‌دهند که حدود 4 درصد از کیفیت استفاده از اینترنت بوسیله میزان استفاده از اینترنت قابل تبیین است. اما ضریب رگرسیون بدست آمده در سطح 0/01 معنادار بوده و در تحلیل مسیر وارد خواهد شد. در تحلیل مسیر، پس از آنکه روابط بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک با استفاده از ضرایب استاندارد رگرسیون مشخص شد، به رسم نمودار تحلیل می‌پردازیم و از ضرایب استاندارد رگرسیون به عنوان ضرایب مسیر بین متغیرها استفاده می‌نماییم. با توجه به داده‌های جداول 9 و 10 نمودار تحلیل مسیر به صورت زیر خواهد بود.

نمودار 2: تحلیل مسیر بین میزان و کیفیت استفاده از اینترنت با میزان مشارکت سیاسی



تحلیل مسیری که در نمودار 2 به همراه کیفیت استفاده از اینترنت همراه با ضرایب مسیر نشان می‌دهند که کیفیت استفاده از اینترنت سهم بیشتری در تبیین میزان مشارکت سیاسی دارد. این بدان معناست که هرچه کیفیت استفاده از اینترنت بالاتر باشد میزان مشارکت سیاسی هم بالاتر خواهد بود. این نتیجه ایست که در تحلیلهای مربوط به فرضیه دوم هم بدست آمده بود. از طرف دیگر متغیر میزان استفاده از اینترنت هم دارای ضریب مسیر قابل توجهی است هرچند که مقدار آن نسبت به مقدار ضریب مسیر متغیر کیفیت استفاده از اینترنت، پایین‌تر است. چنین نتیجه‌ای این نکته را می‌رساند که اگرچه میزان استفاده از اینترنت در میزان مشارکت سیاسی مؤثر است ولی اثر آن به اندازه‌ی اثر کیفیت استفاده از اینترنت نیست.

نکته دیگری که باید در اینجا به آن توجه شود به رابطه‌ی بین میزان استفاده از اینترنت و کیفیت استفاده از اینترنت مربوط می‌شود. با توجه به نمودار مسیر و ضریب مسیر بین میزان و کیفیت استفاده از اینترنت مشخص است که میزان استفاده از اینترنت بر کیفیت استفاده از آن نیز تأثیر دارد. اما این تأثیر بسیار ناچیز است چرا که امکان دارد فردی به میزان زیادی از اینترنت استفاده نماید اما این میزان استفاده الزاماً بر کیفیت استفاده او از اینترنت اثر نگذارد. به عبارت دیگر، ممکن است

استفاده وي صرفا براي تفريح و سرگرمي باشد نه براي كسب اطلاعات سياسي و يا شركت در فعاليتهاي سياسي. بر اساس داده‌هاي جدول 10 حدود 4 درصد از كيفيت استفاده از اينترنت توسط ميزان استفاده از آن قابل تبين است. اين نتايج و تحليل حاصل از نمودار مسير اين نکته را نمايان مي‌سازد كه ميزان مشاركت سياسي کاربران اينترنت تحت تاثير همزمان ميزان و كيفيت استفاده از اينترنت است و اين در حاليست كه كيفيت استفاده از اينترنت نقش بسيار مهم‌تري در تعيين و تبين ميزان مشاركت سياسي دارد.

### نتيجه گيري

در بخش نظري توضيح داده شد كه ميزان و كيفيت استفاده از اينترنت بر روي مشاركت سياسي تاثير مستقيم و مثبت مي‌گذارد. در تحليل داده‌هاي تجربي نيز نشان داده شد كه ميزان و كيفيت استفاده از اينترنت بر مشاركت سياسي دانشجويان تاثير مستقيم و مثبت دارد. ولي آنچه كه ما پيش بيني نكرده بوديم و از تحليل داده‌ها كشف كرديم، اين بود كه سهم كيفيت استفاده از اينترنت بر ميزان مشاركت سياسي بيشتر از سهم ميزان استفاده از اينترنت است.

اما اين تصور كه اينترنت به خودي خود دموكراسي به وجود مي‌آورد، درغلتيدن به خطاي جبرگرايي تكنولوژيك خواهد بود؛ زيرا دلايل و شواهد فراواني وجود دارد كه نشان مي‌دهد اينترنت به همان اندازه كه ممكن است در مسير دموكراسي به كار گرفته شود، به همان اندازه ممكن است مورد استفاده گرايش‌هاي منفي و غير دموكراتيك در جهت كنترل و نظارت اجتماعي و سياسي قرار بگيرد (ميناوند چال، 1381). اين واقعيت توجه ما را به اين موضوع اساسي جلب مي‌كند كه فناوريهاي نوين ارتباطات، و بخصوص اينترنت- پديده‌هاي اجتماعي- فرهنگي مي‌باشند و بدون در

نظر گرفتن تأثیر چارچوب های فرهنگی و اجتماعی که بستر رشد آنها را فراهم می آورند، نمی توان تبعات آنها را مطالعه کرد.

به هر روی، نتایج این مطالعه نشان داد، اینترنت موجب افزایش مشارکت سیاسی شهروندان ایرانی می شود و بنابراین می تواند به جای حوزه عمومی هابرماسی بنشیند و با ایفای نقش حوزه عمومی، مشارکت سیاسی را تسهیل کند و از این طریق به مشروعیت نظام سیاسی نیز کمک کند. بنابراین، چنین به نظر می رسد که اینترنت و فناوری های مرتبط، می توانند به گونه ای سازماندهی شوند که فضای عمومی را برای بحث سیاسی آماده کنند. این فضای عمومی مجازی، به احیای حوزه عمومی ای که به لحاظ فرهنگی تحلیل رفته و تضعیف شده است، کمک می کند. اما این امر قطعی نیست؛ زیرا دسترسی ارزان، سریع و راحت به اطلاعات بیشتر، لزوماً موجب آگاه شدن شهروندان نمی شود و یا تمایل آنها به مشارکت در مباحث سیاسی را بیشتر نمی کند. مشارکت در مباحث سیاسی، یک عامل یاری رسان است؛ اما الزاماً در همه بسترهای اجتماعی و تمدنی گوناگون نمی تواند به دموکراسی منتهی شود.

سرانجام آنکه مشکلات مربوط به سطح مشارکت شهروندان، تنها یکی از مشکلات متعدد پیش روی نظام های سیاسی است. وابستگی به منافع ویژه و شیوه تولید سرمایه داری نیز به آرمان دموکراتیک مساوات طلبانه لطمه می زند. به علاوه، کالایی شدن به سرعت در حال گسترش بوده و پتانسیل دموکراتیک کننده فناوری جدید ارتباطی را تهدید می کند. موجه ترین و معقول ترین تصور درباره ی حوزه مجازی، این است که آن را شامل چندین حوزه سایبر به لحاظ فرهنگی پاره پاره در نظر بگیریم که یک حوزه عمومی مجازی مشترکی را تشکیل می دهند (میناوند چال، 1381).

همچنین، با توجه به آنچه که هابرماس در توصیف و تبیین حوزه عمومی و تأثیرگذاری آن بر مشارکت سیاسی بیان داشته است، باید اضافه نمود که ویژگی‌هایی از قبیل میزان و کیفیت استفاده از اینترنت به مثابه یک حوزه عمومی، تأثیری قابل توجهی در مشارکت سیاسی کاربران دارد. این مهم در این مقاله به طور کامل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از داده‌های حاصل از پیمایش چنین برمی‌آید که بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان، مشارکت سیاسی در حد متوسط و بالا دارند (جدول 4). تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که حدود 80 درصد میزان مشارکت سیاسی کاربران ایرانی، توسط میزان و کیفیت استفاده از اینترنت قابل تبیین است. بنابراین، میزان و کیفیت استفاده کاربران ایرانی از اینترنت می‌تواند به عنوان شاخصی برای تعیین میزان مشارکت سیاسی کاربران در سطح جامعه، مورد استفاده قرارگیرد. به عبارت دیگر دانشجویان مورد مطالعه ما نشان دادند که هرچه میزان و کیفیت استفاده از اینترنت بیشتر و بالاتر می‌شود، سطح مشارکت سیاسی این کاربران نیز افزایش می‌یابد.

از طرف دیگر ذکر این نکته نیز حائز اهمیت دارد که هابرماس تأکید می‌کند که عقاید افراد در درون ساختار ارتباطی رسانه‌هایی مانند رادیو، تلویزیون و . . . که خصلت توده‌ای دارند، نمی‌تواند به افکار عمومی تبدیل شود (هابرماس، 1383: 387). شاید از این نقل قول هابرماس بتوان نتیجه‌گیری کرد که او از نقش رسانه‌های سنتی برای تقویت مشارکت سیاسی و افکار عمومی و گسترش حوزه عمومی ناامید شده است. اما نتیجه مطالعه ما در اینجا این امیدواری را ایجاد کرده که اینترنت نه تنها موجب شکل‌گیری افکار عمومی از معبر بستری همچون بحث و گفتگوهای انتقادی در فضای مجازی شده و مشارکت سیاسی را تسهیل

کند؛ بلکه بیشتر افراد جامعه آماری (409 نفر یعنی 56 درصد) از نظر کیفی نیز دارای مشارکت سیاسی در سطح متوسطی هستند. این سطح مشارکت بیانگر این نکته است که تکنولوژی های نوین ارتباطی و به ویژه اینترنت می تواند نقشی بسیار متفاوت از رسانه های سنتی در ایجاد فضای مباحثه آزاد و شکل گیری افکار عمومی ناشی از گفتگوی عقلانی - انتقادی، و در نهایت کنش سیاسی افراد ایفا نماید. این امر لزوم توجه ما را به این پدیده جدید که هم به عنوان فضایی است که پتانسیل حوزه عمومی را دارد، و هم به عنوان رسانه ای است که می تواند در خدمت حوزه عمومی باشد، گوشزد می کند. بنابراین در جوامع تکنولوژیکی معاصر، توسعه و باز تعریف حوزه عمومی در حال پیدایش است. این حوزه عمومی مبتنی بر این واقعیت نوین است که هر جا مشارکت سیاسی در سطوح مختلف آن تجلی یابد، حوزه عمومی رو به توسعه می گذارد. در ایران، حوزه عمومی ایرانی بیش از نقطه در عالم در فضا و امکانات اینترنت در حال رخداد است.

در اینجا باید بر این نظر را نیز تاکید کرد که، میزان مشارکت سیاسی بر اساس زمینه ای که در آن مشارکت سیاسی صورت می گیرد، کشور و منطقه محل سکونت، تفاوت می کند. ما بخشی از نتایج تحقیق را که به نقش متغیر تحصیلات و جنسیت اشاره می کند در این مقاله مورد بحث قرار ندادیم. با این حال و به عنوان مثال، می توان به یافته هایی اشاره داشت که نتایج تحقیقات پیشین را مبنی بر اینکه جنسیت و تحصیلات بر میزان مشارکت سیاسی تأثیرگذار است، تأیید می کند. این نتایج با نتایج مطالعه پری و مویزر که دریافته بودند زنان در مبارزات حزبی و همچنین رأی دادن نسبتاً فعالتر از مردان هستند، منافات دارد (پری و مویزر، 1990: 159). در عین حال این نتایج این

نکته را تایید می کنند که بستر فعالیتهای سیاسی و عناصر زمینه ای نقش مهمی در بروز انواع مشارکت سیاسی دارند.

- با توجه به نتایج مقاله، باید اشاره داشت که وجود اطلاعات متنوع و به روز سیاسی از شبکه اینترنت، یکی از منابع نوین برای کسب اخبار و دانش سیاسی است. از این رو، یکی از نیازهای مهم جامعه امروز ایرانی برای داشتن شهروندانی با دانش و آگاهی سیاسی جهت مشارکت فعال در اداره امور جامعه و به ویژه تصمیم گیریها، ارائه اطلاعات لازم به شهروندان از طریق سایت های دولتی و غیر دولتی است که اطلاعات سیاسی نیز بخشی از آن به شمار می رود.

- توجه به آموزش افراد جامعه به ویژه دانشجویان و دانش آموزان در مورد ارتقاء کیفیت استفاده از اینترنت.

- آنچه به مفهوم شهروندی تحقق می بخشد، برخورداری افراد جامعه از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است. گستره حقوق فرهنگی نیز حق تجربه کردن، حق مشارکت، حق آگاهی و حق اطلاعات را شامل می شود (میناوند چال، 1381).

در پرتو همین رویکرد است که دموکراسی، معنایی فراتر از برگزاری صرف انتخابات و برخورداری از حق رأی دادن یافته و لذا فراهم آوردن امکانات لازم برای مشارکت هرچه بیشتر شهروندان در تصمیم گیری هایی که بر سرنوشت شان تأثیر می گذارد، موجب تقویت و توسعه مفهوم شهروندی شده و به مشارکت سیاسی بیشتر در جامعه کمک می کند.

## منابع

- دهقان، علیرضا (1384) «قماربازی اینترنتی»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره دوم، شماره 3، ص 45-72.
- راش، مایکل (1377) *جامعه و سیاست: مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- سردارآبادی، خلیل (1383) *مطالعه تأثیر رسانه های جمعی، فناوری های نوین ارتباطی و ارتباطات میان فردی بر آگاهی سیاسی دانشجویان (1379-1382)*، مطالعه موردی دانشجویان، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- عاملی، سعید رضا (1383) «دوجوهانی شدن و جامعه اضطراب»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره 1، ص 143-174.
- عبداللهیان، حمید (1384) «نوع شناسی و باز تعریف آسیب های اینترنتی و تغییرات هویتی در ایران»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره اول، شماره های 2 و 3، ص 135-154.
- مهدی زاده، محمد (1383) «اینترنت و حوزه ی عمومی»، *رسانه*، شماره 3، ص 111-131.
- میناوند چال، محمدعلی (1381) *مطالعه قابلیت و امکان عملکرد اینترنت به عنوان حوزه ی عمومی سیاسی*، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- هابرماس، یورگن (1383) *دگرگونی ساختار حوزه ی عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی*، ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر افکار.

Colman, S. (1999) *From Virtual Representation to Direct Deliberation*, In Barry Hague, (Eds), *Digital Democracy*, London: Routledge.

Dahlgren, P. (2005) *the Internet, Public Sphere and Political Communication: Dispersion and Deliberation*, *Political Communication*, 22: 147-162.

Jansen, A. (2001) *Democracy & Internet*, *Third World Quarterly*, vol.22.NO.1.

Malina, A. (2000) *Can Website Change Citizens* Retrieved on June 3, 2007 from [www.umich.edu/luoai](http://www.umich.edu/luoai).

Norris, P. (2001) *Digital, Divide*, Cambridge, New York: Cambridge University Press.

Parry, G. And Moyser, G. (1990) *A Map of Political Participation in Britain*, *Government and Opposition*, vol.25, pp.147-69



Quintelier Ellen and Sara Vissers (2008) *The Effect of Internet Use on Political Participation*, Social Science Computer Review, Volume 26, Issue 4 (November 2008), pp. 411-427.

Stanley, J. Woody, and Christopher Weare. (2004) *The Effects of Internet Use on Political Participation: Evidence From an Agency Online Discussion Forum*, Administration & Society 36, no. 5: 503-27.

دانشیار گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران،

**habdolah@ut.ac.ir**

کارشناس ارشد ارتباطات، فارغ التحصیل دانشگاه تهران،

a.haghgoei@gmail.com